گزارش یک

مهسا گربندی

سازوکار نجات مدارس از انفعال کتب درسی، فرسودگی معلمان و رقابت نابرابر فردا در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر مهدی طریقت

هوش مصنوعی زیست تحصیلی کودکان را به کجا می‌برد؟

کلاس‌های درس هنوز همان تصویر دهه‌های گذشته را به دانش‌آموزان نشان می‌دهد، کتاب‌های درسی یکسان برای میلیون‌ها استعداد مختلف، و معلمانی که در میان انبوهی از برگه‌های امتحانی و کارهای تکراری اداری رو به فرسودگی می‌روند. چاره چیست؟ دانش‌آموزان باید ساعت‌ها پشت نیمکت‌ها به حفظ طوطی‌وار فرمول‌ها مشغول شوند! اصلا چه چیزی از این مطالب درک خواهند کرد؟ کسی نمی‌داند! حال در جهانی که هوش مصنوعی مرزهای علم و شیوه یادگیری را زیرورو کرده، نظام آموزشی ما در یک نقطه عطف تاریخی ایستاده؛ اینکه آیا از این فناوری نوظهور فرصتی برای نجات خلاقیت نسل فردا می‌سازد یا اینکه بدون توجه به عصر فناوری‌های نوین به مسیر خود ادامه می‌دهد؟! «جوان» در همین رابطه با دکتر مهدی طریقت، رئیس اندیشکده و پردیس هوش مصنوعی گفت‌وگو کرده‌است و با نگاهی به شواهد بین‌المللی و دغدغه‌ای عمیق برای آینده فرزندان این مرزوبوم، این مسئله را واکاوی کرده که چگونه می‌توان بدون وابستگی منفعلانه، هوش مصنوعی را به خدمت ارتقای کرامت معلم، شخصی‌سازی یادگیری و برقراری عدالت آموزشی درآورد.



هوش مصنوعی چگونه ساختار خطی و ایستا در کتاب‌های درسی را به یک زیست‌بوم پویای یادگیری تبدیل می‌کند؟ به‌ویژه در قالب بازی‌وارسازی و داستان‌سرایی تعاملی، این فناوری چه تغییری در عمق درک دانش‌آموز ایجاد خواهد کرد؟ (به عبارتی دیگر آیا هوش مصنوعی صرفاً ابزاری برای جذاب‌سازی ظاهری دروس است، یا می‌تواند یادگیری شخصی‌سازی‌شده و شبیه‌سازی‌های مفهومی را جایگزین انفعال کنونی دانش‌آموزان در مواجهه با متون درسی کند؟)

کتاب‌های درسی سنتی برای همه یکسان نوشته شده‌اند. این شیوه دانش‌آموز را در جایگاه یک دریافت‌کننده خاموش و منفعل قرار می‌دهد، اما هوش مصنوعی متن را از حالت کاغذی و صلب بیرون می‌کشد. این ابزار کتاب را به یک محیط گفت‌وگومحور و زنده تبدیل می‌کند. طبق پژوهش‌های سازمان آموزشی یونسکو و بنیاد جهانی آموزش، تفاوت یادگیری درگیرکننده با خواندن ساده، در لمس مستقیم مفاهیم است. فناوری به دانش‌آموز اجازه می‌دهد با پدیده‌ها آزمایش کند. او می‌تواند تاریخ را در قالب یک داستان تعاملی تجربه کند. در علوم تجربی، شبیه‌سازی رفتار مولکول‌ها یا مدارها را خود دانش‌آموز هدایت می‌کند. بنابراین ما با یک جذابیت ظاهری یا سرگرمی گذرا روبه‌رو نیستیم. مسئله اصلی تغییر در پردازش ذهنی است. بازی‌وارسازی هوشمند انگیزه درونی می‌سازد. شبیه‌سازی مفهومی نیز به درک عمیق منجر می‌شود. در این حالت یادگیرنده دیگر فقط حفظ نمی‌کند، بلکه دست به کشف می‌زند. این فناوری سرعت فهم هر فرد را می‌سنجد. سپس محتوا را دقیقاً با سطح ادراک او هماهنگ می‌سازد. برای نظام آموزشی ما، عبور از این ساختار کهنه یک ضرورت ملی برای نجات خلاقیت فرزندانمان است.

معلم علاوه بر تدریس، زمان زیادی را صرف کارهایی مثل طراحی تمرین، برگزاری آزمون و تصحیح آن و بررسی عملکرد دانش‌آموزان می‌کند. هوش مصنوعی در چرخه سنجش و بازخورد کلاسی، مشخصاً چه بخش‌هایی از زمان معلم را آزاد می‌کند؟ آیا هوش مصنوعی می‌تواند بار فرسایشی طراحی تکالیف، آزمون‌سازی و تصحیح اوراق را از دوش معلم بردارد، چگونه می‌تواند از سطح یک ابزار خودکارسازی فراتر رفته و به تحلیل دقیق یادگیری و بازآفرینی نقش معلم در کلاس کمک کند؟

بخش بزرگی از فرسودگی شغلی معلمان در کشور ما ریشه در کارهای تکراری و اداری دارد. معلم ساعت‌های طولانی را پای تصحیح برگه‌ها و ثبت نمرات می‌گذارد. طبق گزارش‌های تحلیلی دانشگاه استنفورد و انجمن بین‌المللی فناوری آموزشی، بیش از ۴۰ درصد وقت آموزشی معلمان صرف امور اجرایی و ارزیابی‌های روتین می‌شود. هوش مصنوعی می‌تواند طراحی سؤالات هم‌سطح، ایجاد تمرین‌های متنوع و تصحیح پاسخ‌های تشریحی و تستی را در چند ثانیه انجام دهد. این آزادسازی زمان، فرصت بی‌نظیری برای گفت‌وگوی چهره‌به‌چهره در کلاس می‌سازد، اما ارزش اصلی فراتر از سرعت است. این فناوری به جای یک نمره خشک، الگوهای خطای شناختی دانش‌آموز را شناسایی می‌کند. سیستم به معلم نشان می‌دهد که دقیقاً کدام بخش از مفهوم برای بچه مبهم مانده‌است. در نتیجه معلم از یک مصحح خسته به یک مربی و راهنمای یادگیری ارتقا پیدا می‌کند. او می‌تواند وقت خود را صرف انگیزش روانی، پرورش اخلاق و حل مسائل فردی کودکان کند. این بازآفرینی نقش، جایگاه انسانی و عاطفی معلم را در کلاس احیا خواهد کرد.

آیا تقلیل بار اداری و ارزشیابی معلمان توسط سامانه‌های هوشمند، عملا کیفیت تدریس و ارتباط انسانی در کلاس را ارتقا می‌دهد، یا نوعی وابستگی مخل به فناوری در سنجش دانش‌آموز ایجاد می‌کند؟

این شمشیر دو لبه نیازمند نگاهی دقیق و علمی است. براساس مستندات سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، خودکارسازی وظایف روزمره زمانی به بهبود کلاس منجر می‌شود که معلم مهارت استفاده از زمان آزادشده را داشته باشد. اگر زمان ذخیره‌شده صرف شنیدن دغدغه‌های روانی و هدایت عاطفی بچه‌ها شود، کیفیت آموزش جهش پیدا می‌کند، اما خطر وابستگی شناختی هم کاملاً جدی و واقعی است. داده‌ها نمی‌توانند روحیه، اضطراب پنهان یا جرقه‌های شهودی کودک را به طور کامل بسنجند. اگر سیستم فقط بر پایه الگوهای الگوریتمی قضاوت کند، نوعی قضاوت مکانیکی شکل می‌گیرد. در این حالت دانش‌آموز ممکن است با یک نمره نادیده گرفته‌شود. معلم نباید نقش نظارتی و شم تجربی خود را به سامانه‌های خودکار واگذار کند. راهکار علمی در تعادل هوشمندانه تعریف می‌شود. فناوری صرفاً دستیار پیشنهاددهنده است، اما تصمیم نهایی و قضاوت وجدانی همواره بر عهده انسان باقی می‌ماند. هدف ما حفظ روح زنده کلاس و نجات معلم از روزمرگی است، نه حذف حس هم‌دلی میان معلم و شاگرد.

یکی از چالش‌های کلاس در تفاوت در سرعت و شیوه یادگیری دانش‌آموزان است. هوش مصنوعی چگونه می‌تواند به دانش‌آموزی که در یک مبحث عقب مانده یا در یک مبحث ضعیف‌تر است کمک کند تا بدون دریافت پاسخ آماده، تمرین و آموزش را متناسب با سطح خود دریافت کند؟

در روان‌شناسی تربیتی، اصلی به نام داربست‌بندی شناختی وجود دارد که مبنای یادگیری عمیق است. بر پایه مطالعات دانشگاه هاروارد در حوزه فناوری‌های یادگیری، سامانه‌های هوشمند می‌توانند بدون لو دادن پاسخ، نقش یک راهنمای سقراطی را ایفا کنند. وقتی دانش‌آموزی در حل یک مسئله متوقف می‌شود، سیستم فوراً جواب را فاش نمی‌کند. برنامه ابتدا با طرح چند سؤال مقدماتی، گره ذهنی او را می‌سنجد. سپس سرنخ‌های مرحله‌به‌مرحله و مثال‌های ساده‌تر در اختیارش می‌گذارد. سرعت و لحن آموزش دقیقاً با ضرب‌آهنگ درک آن کودک تنظیم می‌شود. با این روش، دانش‌آموز احساس شکست و سرخوردگی در برابر هم‌کلاسی‌ها پیدا نمی‌کند. او حس می‌کند خودش به پاسخ رسیده و اعتمادبه‌نفس از دست‌رفته‌اش بازسازی می‌شود. تکرار تمرین‌ها بر اساس نقاط ضعف واقعی طراحی می‌گردد. در نتیجه به‌جای تنبلی ذهنی و رونویسی، انگیزه کشف و استقلال فکری در او تقویت خواهد شد. این سازوکار به کودک اجازه می‌دهد بدون اضطراب و با سرعت طبیعی خودش پیشرفت کند.



با توجه به سرعت رشد این فناوری، آموزش‌وپرورش برای اینکه از این تغییر عقب نماند و برای همگام‌شدن با این تحول، باید از کجا شروع کند؟ از نگاه شما اولویت نخست با توانمندسازی معلمان است، بازنگری در محتوای درسی، توسعه زیرساخت‌های فنی، یا تدوین چارچوب‌ها و قوانین مشخص برای ورود هوش مصنوعی به مدارس؟

بر اساس چارچوب جهانی یونسکو برای شایستگی‌های معلمان در عصر دیجیتال، فناوری بدون نیروی انسانی آگاه به بیراهه می‌رود. اگر پیشرفته‌ترین سامانه‌ها و قوانین را وارد مدارس کنیم، ولی معلم نداند چطور از آنها بهره ببرد، تنها هزینه‌ها هدر می‌رود، بنابراین اولویت نخست و بی‌چون‌وچرا، توانمندسازی معلمان و ارتقای سواد فناورانه آن‌هاست. معلم باید یاد بگیرد چگونه از این سامانه‌ها برای درک بهتر دانش‌آموز استفاده کند. همزمان با این گام، تدوین چارچوب‌های اخلاقی، حقوقی و حفظ حریم خصوصی داده‌های کودکان یک ضرورت فوری است. اگر قوانین روشن نباشد، نظام آموزشی با چالش‌های امنیتی و تربیتی جدی روبه‌رو می‌شود. گام بعدی متناسب‌سازی زیرساخت‌های پایدار برای سراسر کشور و بازنگری در شیوه ارزیابی و کتاب‌های درسی است. ما باید کتب درسی را از متون حفظی به راهنماهای مسئله‌محور تبدیل کنیم. تغییر فقط با خرید ابزار فنی رخ نمی‌دهد، بلکه نیازمند تحول در نگاه و توانمندی معلمان فداکار کشورمان است.

> بیش از ۴۰ درصد وقت معلمان صرف کارهای تکراری و تصحیح می‌شود، هوش مصنوعی معلم خسته را به مربی و راهنمای یادگیری تبدیل می‌کند

اگر بخواهید یک توصیه راهبردی و بی‌تعارف به نظام آموزشی کشور بدهید، آن توصیه چیست؟

توصیه نهایی من نگاهی واقع‌بینانه، شجاعانه و آینده‌نگرانه به این پدیده است. ما نباید در مواجهه با این فناوری دچار دوگانه خطرناک هراس کور یا شیفتگی ساده‌لوحانه شویم. طبق مطالعات تطبیقی نظام‌های آموزشی جهان، فناوری نه یک جادو برای حل تمام مشکلات است و نه تهدیدی برای نابودی آموزش. این ابزار دقیقاً همان کاری را می‌کند که ما با خرد جمعی و مدیریت علمی برای آن برنامه‌ریزی می‌کنیم. آینده ایران وابسته به توانایی دانش‌آموزان ما در پرسشگری، تفکر نقادانه و حل مسائل پیچیده است. اگر نظام آموزشی ما به روش‌های حفظی گذشته اصرار بورزد، فرزندانمان در رقابت آینده جهان باز خواهند ماند. توصیه اکید من به سیاست‌گذاران، معلمان و خانواده‌ها سرمایه‌گذاری روی کرامت و مهارت‌های انسانی است. هوش مصنوعی باید خادم یادگیری، عدالت اجتماعی و رشد استعدادهای هر کودک ایرانی باشد. ما می‌توانیم با تکیه بر فرهنگ غنی، علم روز و نگاهی دلسوزانه، مدرسه‌ای پویا، عدالت‌محور و الهام‌بخش برای نسل فردا بسازیم.

آنچه از خلال این گفت‌وگو به روشنی رخ می‌نماید، ضرورت عبور از انفعال در برابر شتاب فناوری است. هوش مصنوعی نه معجزه‌ای است که به تنهایی محرومیت‌ها و ضعف‌های کهنه آموزشی را ناپدید کند و نه هیولایی که جایگاه و عاطفه معلم را ببلعد. سرنوشت این فناوری در مدارس ایران، مستقیماً به نقشه راه سیاست‌گذاران و توانمندسازی معلمان فداکار کشور بستگی دارد. اگر بتوانیم زمان معلم را از چنگ فرسودگی اداری آزاد کرده و دانش‌آموز را از دایره محفوظات صلب به میدان حل مسئله بیاوریم، این تحول نه یک هزینه، بلکه حیاتی‌ترین سرمایه‌گذاری برای فردای ایران خواهد بود، فردایی که پیشرفت آن بیش از هر چیز، به ذهن‌های خلاق و پرسشگر فرزندان امروز نیازمند است.

> هوش مصنوعی نباید پاسخ آماده به دانش‌آموز بدهد، بلکه باید مانند سقراط، ذهن او را به سمت کشف پاسخ هدایت کند

یادداشت

وحدت شبانه قدرت روزانه



مجید ابهری

آسیب‌شناس اجتماعی

تقریباً بدون کم‌وکاست و با وجود تفاوت در روایت‌های عددی، تجمعات شبانه در ارتباط با حضور گسترده زنان و مردان حاضر در میادین و خیابان‌ها، مهر تأییدی بر وطن‌خواهی و حمایت از جان‌فدایی یک ملت بود؛ ملتی که بدون سازمان‌دهی و پشتیبانی حزب و جناح خاصی، در مقابل دوربین‌های خبرنگاران حرفه‌ای به میدان آمدند. شوربختانه، نه حزب و تشکلی، نه سازمان و سفره‌داری و نه هیئت سنتی، هیچ‌کدامشان در عرصه نبودند که بهانه‌سازان، پیراهن عثمان کنند. بنابراین، بر اساس تأیید و تصدیق دوست و دشمن، یک حرکت خودجوش مردمی برخاسته از روستاها و شهرها، میادین و خیابان‌ها، قطره‌ای دریایی شد و کشور را فرا گرفت. نه سرما، نه گرما و نه حتی تاریکی، هیچ‌کدام نتوانستند مانع این حرکت خودجوش مردمی شوند. تحلیلگران منطقی و بی‌طرف به بنیان‌های مردمی این حرکت‌ها پی برده و ماهیت خودجوش و مردمی آن را مورد تصدیق قرار داده‌اند و این جوشش‌های مردمی را مورد تقدیر و تقدیس قرار داده و می‌دهند. تاریخ، با شهادت به قرابت مردمی و شجاعانه این حرکت‌ها، اسناد پویا و زنده آنها را برای نسل‌های بعدی ثبت و ضبط خواهد نمود. فرداهای دیگر، نسل‌های مقاومت، یاد شهید نصرالله و اسطوره جاویدان، آقای شهید سیدعلی خامنه‌ای، را با نگارینه‌های طلایی ثبت و ضبط می‌کنند.

بگذارید سر در آخور صهیونیست‌داشته‌ها و انسان‌نماها هر چه می‌خواهند بگویند...

یادداشت

عدالت در دسترس از فرهنگ دعوا تا فرهنگ پیشگیری

علی جوان‌بخت لاله*

در دنیای امروز، هر جامعه‌ای که بخواهد به سوی پیشرفت و ثبات حرکت کند، نیازمند استقرار «عدالت» و «امنیت حقوقی» برای شهروندانش است. عدالت تنها در سالن‌های دادگاه و با صدور احکام قضایی محقق نمی‌شود؛ بلکه عدالت واقعی زمانی جاری می‌شود که شهروندان با آگاهی از حقوق و تکالیف خود، بتوانند پیش از تبدیل شدن یک اختلاف کوچک به یک دعوای حقوقی طولانی، راهکاری عادلانه و سریع بیابند.

امروزه مشاهده می‌کنیم که بخش بزرگی از پرونده‌های ورودی به دستگاه قضایی، ریشه در اختلافات ساده‌ای دارد که به دلیل نبودِ «فرهنگ پیشگیری» و «ناآگاهی حقوقی»، به پرونده‌های پیچیده و فرسایشی تبدیل شده‌اند. این موضوع نه تنها باعث ایجاد فشار بر دوش دستگاه قضا شده، بلکه منجر به فرسایش روابط اجتماعی، از بین رفتن دوستی‌ها و حتی گسست‌های خانوادگی گشته است. باید بپذیریم که دادگاه، آخرین پناهگاه عدالت است، نه اولین توقف‌گاه. راهکار عملی برای خروج از این بن‌بست، بازگشت به‌مفاهیمی چون «میانجی‌گری» و «صلح» است. میانجی‌گری به معنای نادیده گرفتن حق نیست، بلکه به معنای یافتن کوتاه‌ترین و انسانی‌ترین مسیر برای رسیدن به حق است. به‌عنوان کسی که سال‌ها در راهروهای دادگاه‌ها با غم‌ها و شکوه‌های مردم همراه بوده‌ام، معتقدم سه گام ساده می‌تواند وضعیت حقوقی جامعه ما را تغییر دهد:

اول: ترویج سواد حقوقی پایه؛ مردم باید بدانند که بسیاری از قراردادها (مانند اجاره یا خرید و فروش) اگر در ابتدا دقیق و بر اساس واقعیت‌ها نوشته شوند، هرگز به دعوا ختم نخواهند شد. «قرارداد خوب، بهترین وکیل است».

دوم: بهره‌گیری از مراکز داوری و میانجی‌گری؛ جایگزین‌های حل اختلاف، هزینه‌های زمانی و مالی را به شدت کاهش می‌دهند و اجازه می‌دهند طرفین با احترام متقابل، به توافقی برسند که هر دو طرف را راضی کند.

سوم: تغییر نگاه از «برد-باخت» به «برد-برد»؛ در بسیاری از دعاوی، طرفین برای اینکه ثابت کنند طرف مقابل «باخته است»، هزینه‌های گزافی می‌پردازند، در حالی که در پایان، هر دو طرف به دلیل زمان و هزینه تلف‌شده، بازنده هستند.

هدف ما به عنوان فعالان حقوقی، تنها دفاع در دادگاه نیست، بلکه کمک به مردم برای ساختن جامعه‌ای است که در آن «حق» شناخته شود و «عدالت» پیش از رسیدن به میز قاضی، در قلب‌های مردم و در توافقات عادلانه جاری گردد. بیایید با هم یاد بگیریم که حقوق را نه ابزاری برای پیروزی بر دیگران، بلکه پلی برای رسیدن به صلح و آرامش اجتماعی بدانیم. چراکه در نهایت، برنده کسی نیست که حکم دادگاه را به نفع خود گرفت، بلکه برنده کسی است که توانست حقش را بگیرد و در عین حال، انسانیت و روابط اجتماعی‌اش را حفظ کند.

*وکیل دادگستری

بسیج

تقدیر از پزشکیان بسیجی

ادامه از صفحه یک

ضرورت استقرار شبکه هوشمند بسیج پزشکی در مساجد

رئیس سازمان بسیج مستضعفین با تأکید بر اینکه تحولات اخیر و چالش‌های منطقه‌ای به ما آموخت که مدیریت سلامت در بحران‌ها نیازمند آمادگی جامعه پزشکی و کادر درمان است، یادآور شد: «در تاریخ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، این قشر در دفاع از استقلال، امنیت، پیشرفت و سرافرازی مردم و نظام الهی، نقش تاریخی و پرافتخاری داشته است. این دوران پرتلاطم و حوادث دنیای کنونی، مرزهای دانش و مدیریت بحران را جابه‌جا کرد و ما دریافتیم «سرعت عمل» و «تمرکززدایی» در امداد، دو رکن بقا هستند.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین تأکید کرد: «ما دریافتیم که برای رویارویی با حوادث نوپدید و تهدیدات نبردهای ترکیبی، باید شبکه هوشمند بسیج جامعه پزشکی را در مساجد و محلات نیز مستقر کنیم؛ هر مسجد، یک پایگاه پیش‌دستانه امداد و سلامت است که نه‌تنها در زمان بحران، که در ایام عادی نیز مسئول پایش سلامت جامعه و ارتقای سواد بهداشتی مردم است.»

بنا به تأکید وی در این بخش، مسجد نه‌تنها خاستگاه انقلاب، که سنگر سلامت و کانون مدیریت بحران‌های اجتماعی و این حرکت، رجعتی است به هویت اصیل ایرانی-اسلامی؛ در این گفتمان، مسجد صرفاً محل عبادت نیست، بلکه قرارگاه مدیریت امنیت و سلامت است و تمامی اقشار با محوریت مسجد به یک شبکه تبدیل می‌شوند.

طائب ادامه داد: «وقتی مردم دردمند در محلات کم‌برخوردار، حضور تخصصی و بی‌ادعای کادر درمان کشور را لمس کنند، حصار انحصار و تبعیض در خدمات پزشکی شکسته می‌شود.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین خاطرنشان کرد: «ما در کشور از نیروی انسانی متخصص و متعهد، نهادهای مسئول و شبکه گسترده مردمی برخورداریم؛ بسیج جامعه پزشکی ظرفیت تخصصی جامعه سلامت را سازماندهی می‌کند و با نهادهای مسئول، به‌ویژه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیوند می‌خورد و برای مسائل اولویت‌دار راه‌حل عملیاتی خواهد داشت.»

وی تصریح کرد: «تمام تلاش ما در نظام نوین و تحول‌آفرین کمک به تحقق عدالت در سلامت به عنوان شاخص کارآمدی نظام اسلامی است.»

مسجد جایگزین شبکه بهداشت نیست

رئیس سازمان بسیج مستضعفین در ادامه با بیان اینکه مسجد جایگزین شبکه بهداشت نیست، افزود: «مساجد نقطه اتصال مردم و ظرفیت‌های سلامت محله با نهادهای مسئول است. با پیوند اراده انسانی با تکیه بر ظرفیت‌های پایان‌ناپذیر مساجد ثابت خواهیم کرد که حکمرانی تراز انقلاب از بطن مردم می‌جوشد و به اقتدار ملی ختم می‌شود.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین در پایان تأکید کرد: «مسیر ما روشن است؛ از مردم، برای مردم و در سایه ارزش‌های متعالی انقلاب اکنون در راه قله سعادت و پیشرفت ایران حرکت می‌کنیم و برای استقرار این الگوی نوین حکمرانی چشم‌انتظار و توکل و توسل و یاری مردم و مسئولان در میدان هستیم.»

موظفیم که مشکل مردم را حل کنیم

مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور هم که میهمان ویژه رویداد ملی جامعه سلامت، مردم‌یار و مسجدمحور بود در حاشیه این رویداد هدیه‌ای ارزشمند از دستان رئیس سازمان بسیج مستضعفین دریافت کرد. قابی از جوانی‌اش در لباس رزم که پیام‌های فرامتن آن گویای ارزشمندی این هدیه در دوران کنونی کشور بود. وی نیز در سخنانی با اشاره به اینکه با پیروزی انقلاب، ایمان همه ما این بود که راه و دین ما برتر از الگوهای دیگران است، افزود: «لازمه چنین باوری این است که در عمل «بهترین» باشیم. پس باید در خدمت به مردم و حل مشکلات آنان پیش‌قدم شویم.»

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه امروز در پیچ تاریخی خطرناکی قرار داریم، خاطرنشان کرد: «جنگی که اکنون با آن مواجهیم، صرفاً با تفنگ و موشک حل نمی‌شود؛ اگرچه آن تهدیدها هم وجود دارد، اما بدتر از آن، وضعیت اقتصادی است که رقم زده‌اند. ما خودمان موظفیم که مشکل مردم را حل کنیم.»

پزشکیان با اشاره به ضرورت توجه به عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، اظهار داشت: «عوامل مختلفی بر سلامت افراد جامعه تأثیر می‌گذارند و شرایط اقتصادی، اجتماعی و محیط زندگی مردم در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.»

پزشکیان با تأکید بر اینکه رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر باید با نگاهی جامع صورت گیرد، افزود: «اگر می‌خواهیم جامعه‌ای سالم داشته باشیم، نمی‌توانیم صرفاً به ارائه خدمات درمانی بسنده کنیم و از شرایط زندگی مردم، فقر، حاشیه‌نشینی، سالمندی، وضعیت خانواده‌های آسیب‌پذیر و سایر عوامل مؤثر بر سلامت غافل بمانیم.»

مساجد و پایگاه‌های مردمی، ظرفیتی گسترده برای شناسایی و رفع محرومیت‌ها

رئیس‌جمهور با اشاره به ظرفیت‌های موجود در کشور برای حمایت از اقشار نیازمند اظهار داشت: «مساجد و پایگاه‌های مردمی از جمله ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانیم از طریق آنها افراد نیازمند را شناسایی کنیم، به مشکلات‌شان پی ببریم و برای کمک به آنان وارد عمل شویم.»

پزشکیان افزود: «دولت در شرایط کنونی به‌تنهایی نمی‌تواند تمام این وظایف را با همان گستردگی و سرعتی که مورد نیاز است، انجام دهد.»

رئیس‌جمهور با اشاره به ظرفیت گسترده مساجد در کشور خاطرنشان کرد: «ما حدود ۸۰ هزار مسجد در کشور داریم و اگر بتوانیم به‌ازای هر هزار و ۲۰۰ نفر، ظرفیت‌های لازم را برای رسیدگی به مشکلات مردم فعال کنیم، امکان ایجاد شبکه‌ای گسترده برای شناسایی نیازها و کمک به افراد فراهم خواهد شد.»

پزشکیان ادامه داد: «وقتی مردم ببینند گروهی از مسئولان و افراد متخصص واقعاً به فکر آنان هستند و برای حل مشکلاتشان تلاش می‌کنند، به این افراد اعتماد خواهند کرد. در چنین شرایطی، جایگاه و اعتبار اجتماعی نیز به‌طور طبیعی شکل می‌گیرد اما اگر از مردم فاصله بگیریم و در کنار آنان نباشیم، آنچه را که داریم نیز از دست خواهیم داد.»

در این مراسم همچنین از تعدادی از ایثارگران و خانواده شهدا به خصوص شهدا و ایثارگران جنگ‌های اخیر تقدیر به عمل آمد.